

Analysis of the Concept of khulud in Hell with a Simultaneous Semantic Approach

Mohammadhadi Aminnaji^{*}, Rezvan Hajisharafi^{}**

Abdulhadi Faghizadeh^{*}, naser mohamadi^{****}, zahra kheiroiahi^{*****}**

Abstract

One of the value concepts in the Qur'an is the concept of "khulud". This study examines the Qur'anic meaning and discovers its semantic layers with the simultaneous semantics based on the analysis of the relations of companionship, substitution and reciprocity of the words Khulud. The burden is on the people of Hell, in about 30 cases, the word "eternity" is associated with "eternity", and in "3" it is about the eternal eternity of the disobedient infidels in Hell. Khulud "emphasizes the necessity of immortality of both groups in heaven and hell. But due to the companionship of Khulud with the divine providence in verses" 105 to 108 "of Surah Hood and verse" 128 "of Surah An'am Therefore, it is possible for the disobedient believers and disobedient infidels to leave hell. The hegemon and the system of hellfire are negative, static and apostate. The main view of the Qur'an on

* Professor university payame noor, Department of sciences Quran and Hadith and Nahjolbalaghah,
Aminnaji@pnu.ac.ir

** student phd Department of sciences Quran and Hadith payame noor,
Rezan.hajisharafi1345@Gmail.com

*** professor university Tehran, Department of sciences Quran and Hadith, Fahizad@ut.ac.ir

**** professor university payam noor, Department of Islamic Philosophy and Wisdom, naser-
mohamadi@pnu.ac.ir

***** professor university payam noor, Department of sciences Quran and Hadith,
zkheiroiahi@yahoo.com

Date received: 21/01/2021, Date of acceptance: 18/06/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

holiness is that the gate of faith is opened to man to get rid of the torment of hell and reach paradise.

Keywords: Quran, Hell, Khulud, semantic, syn, tagmatic, Paradigmatics, opposits.

واکاوی مفهوم خلود در جهنم با رهیافت معناشناسی هم‌زمانی

محمدهادی امین ناجی*، رضوان حاجی شرفی**

عبدالهادی فقهی‌زاده***، ناصر محمدی****، زهرا خیراللهی*****

چکیده

یکی از مفاهیم ارزشی در قرآن، مفهوم "خلود" است. این پژوهش با معناشناسی هم‌زمانی مبتنی بر روابط همنشینی، جانشینی و متقابل‌های واژگان خلود به بررسی مفهوم و کشف لایه‌های معنایی آن می‌پردازد. واژه "خلود" ۷۹ بار در قرآن آمده که "۴۱" بار در مورد بهشتیان و "۳۸" بار در مورد جهنمی‌ها است. واژه "خلود" با "ابد" ۳ بار همراه بوده که "۳" مورد آن در مورد خلود ابدی کفار معاند است. همنشینی مکرر واژه "ابد" با "خلود" بر لزوم جاودانگی هر دو گروه در بهشت و جهنم تأکید دارد. اما به دلیل همنشینی خلود با مشیت الهی در آیات "۱۰۵ تا ۱۰۸" "سوره هود و آیه "۱۲۸" "سوره انعام و تقابل واژه خلود با واژه "احقاب" در آیه "۲۳" "سوره نبأ، امکان خروج مؤمنین عاصی و کفار غیر معاند از جهنم امکان‌پذیر است. از نظر صرفی واژگان "خلود" در قرآن بیش‌تر به صیغه اسم فاعل جمع "خالدون، خالدين" آمده که نشان می‌دهد، دستگاه خلود بهشتیان مثبت، پویا، جمع‌گرا و دستگاه خلود جهنمی‌ها منفی، ایستا و ایمان‌گریز است. نگاه اصلی قرآن

* دانشیار دانشگاه پیام نور، گروه علوم قرآن و حدیث و نهج‌البلاغه (نویسنده مسئول)، Aminnaji@pnu.ac.ir

** دانشجوی دکتری، علوم قرآن و حدیث، دانشگاه پیام نور، Rezan.hajisharafi1345@Gmail.com

*** استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران، تهران، ایران، Fahizad@ut.ac.ir

**** دانشیار دانشگاه پیام نور، گروه فلسفه و حکمت اسلامی، naser-mohamadi@pnu.ac.ir

***** استادیار دانشگاه پیام نور، گروه علوم قرآن و حدیث، zkheirolahi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۸

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

به خلود، این است که دروازه ایمان به روی انسان گشوده شود تا از عذاب جهنم رهایی و به بهشت دست یابد.

کلیدواژه‌ها: قرآن، جهنم، خلود، معناشناسی، هم‌نشینی‌ها، جانشین‌ها، متقابل‌ها.

۱. مقدمه

مسئله اصلی این پژوهش در باره همیشگی بودن حضور در دوزخ (ابدیت) یا زمان‌دار بودن (مدت طولانی) است، اگر حضور در دوزخ ابدی باشد، نو میدی سراسر وجود آدمی را دربر می‌گیرد و امید به اصلاح در او کم رنگ می‌گردد، ولی چنان چه حضور در دوزخ زمان‌دار (مدت طولانی) باشد، امیدواری به زندگی، توفیق توبه، از میان رفتن نو میدی، انجام خدمات اجتماعی، آرامش در زندگی، افزایش ایمان به رحمانیت الهی و جز این امور در انسان شکل می‌گیرد. حال با عنایت به صفات رحمانی الهی، مسئله پردغدغه فکری متفکران توحیدی دایر بر چگونگی و کمیت حضور در جایگاه عذاب موحدان و به ویژه مسلمانان، موضوع جاودانگی حضور در عذاب را مورد اهتمام خویش قرار داده و به پژوهش درباره آن پرداخته‌اند. روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی، به صورت فیش برداری و کتابخانه‌ای (نظری) می‌باشد. در ترجمه آیات به زبان فارسی از ترجمه قرآن محمد مهدی فولادوند استفاده شده است.

۱.۱ ضرورت و پیشینه پژوهش

شناسایی و تبیین این نکته که خلود در جهنم برای همه گنهکاران دائمی و جاودان نیست، بلکه برای برخی گنهکاران غیر دائمی می‌باشد و با توجه به دامنه گناهانشان مدتی طولانی در جهنم خواهند ماند و بعد از تطهیر و پاکسازی از عذاب نجات می‌یابند و داخل بهشت می‌گردند، بیان ضرورت و اهمیت این پژوهش به شمار می‌رود.

در این باره پایان نامه و مقالاتی نوشته شده است که از آن میان می‌توان این موارد را برشمرد:

مقاله معناشناسی خلود در جهنم بر محور هم‌نشینی، مقاله نقد و تحلیل معناشناسانه واژه "خلود" در قرآن کریم با تاکید بر دیدگاه معتزله و اشاعره، مقاله خلود و جاودانگی در بهشت و جهنم از منظر قرآن کریم، مقاله "الگوی تفکر قرآنی بر اساس

واکاوی مفهوم خلود در جهنم با ... (محمدهادی امین‌ناجی و دیگران) ۵۷

معناشناسی هم‌زمانی"، مقاله "بررسی تطبیقی معاد در قرآن و عهدین"، پایان‌نامه معناشناسی توصیفی "خلود" در قرآن کریم، دانشگاه الزهراء.

هیچ یک از پژوهش‌های یاد شده یا دیگر پژوهش‌ها در باره خلود، واژه خلود را همراه با شبکه‌های دانش معناشناسی اعم از روابط همنشینی، جانشینی، تقابل و مدلول‌های زمانی - مکانی آن بررسی نکرده‌اند.

۲.۱ پرسش‌های پژوهش

۱. معنای کانونی واژه خلود بر پایه ریشه‌یابی در لغت و تفسیر چیست؟
۲. شبکه‌معنایی واژگان خلود با توجه به معناشناسی و تحلیل انتقادی آن در آیات قرآن چگونه تبیین می‌گردد؟
۳. خلود در جهنم برای گنهکاران دائمی است یا گروهی پس از پاکسازی وارد بهشت می‌گردند؟

۳.۱ فرضیه اصلی پژوهش

بر اساس شبکه‌معنایی واژگان همنشین، جانشین و متقابل‌های خلود در جهنم، معنای مستنبط از آیات قرآن دلالت بر مدت طولانی حضور در دوزخ، نه جاودانگی را دارد و این برداشت، فرضیه اصلی پژوهش را تشکیل می‌دهد.

۲. معناشناسی (semantic)

واژه فرانسوی "سمتیک" نخستین بار توسط "م برآل" در سال ۱۸۹۳ میلادی برای این علم وضع شد. (پالمر، ۱۳۷۴، ص ۲) معناشناسی در زبان عربی (علم الدلاله) یا (علم المعنی) نام دارد، (مختار، ۱۳۸۶: ۱۱) معناشناسی دانشی است که به شرح و تفسیر واژگان و جمله‌ها می‌پردازد و از انواع شیوه‌های دال بر معنا از نوع زبانی گرفته تا غیر زبانی مانند: حرکات، اشارات، حالت‌ها، رنگ‌ها، صداهای غیر زبانی و هر اشاره‌ای که به نوعی موجب ارتباط اجتماعی گردد، بهره می‌جوید. (عکاشه، ۱۴۳۲: ص ۱۱) و بر سه نوع معناشناسی ریاضی، فلسفی و زبانی تقسیم می‌گردد. (پالمر، ۱۳۷۴: ص ۲۵) معناشناسی زبانی

(Linguistic semantic)، دانش مطالعه انتقال معنا از طریق زبان است و معنا درون نظام زبان بررسی می شود. (قائمی نیا، ۱۳۸۹: ۵۲۹) معناشناسی حوزه ای (Semantic Fields) یکی از روش های مطالعه زبانی است. این روش در مطالعات قرآنی، با نام ایزوتسوگره خورده است که دو رویکرد اساسی دارد. معناشناسی در زمان یا تاریخی (Diachronic semantic) که زمان در در معناشناسی دخیل است و بر اساس تطور معنا در طول زمان، به بررسی معنا پرداخته می شود. (ایزوتسو، ۱۳۶۱: ۳۹-۴۳) معناشناسی همبسته با توالی زمانی هم نام دارد که دگرگونی معنا در آن روی می دهد. (هادی صادقی، شعبان نصرتی، ۱۳۹۱: ۱۳) معناشناسی همزمانی (Synchronic semantic) در فهم معنا، عنصر زمان حذف می شود و تطورات واژگان در طول زمان لحاظ نمی شود، بلکه کل متن در یک مقطع زمانی مورد مطالعه قرار می گیرد. (قائمی نیا، ۱۳۸۹: ۵۳۰) روشی که در راستای آن واحدهای نظام زبان را در یک مقطع زمانی بررسی و در چنین شرایطی به تغییر معنا در طول زمان توجه نمی شود، بلکه هر زبانی را در هر برشی از زمان به منزله یک نظام ارتباطی خودکفا و مستقل مورد بررسی قرار می دهند. (روبینز، ۱۳۸۴، ۴۱۸)

معناشناسی پایه (Basic semantic): نخستین سطح در معناشناسی هر متن، شناخت معنای واژگان (پایه) است. معناشناسی در تحلیل های خود از معنای پایه شروع کرده و با کمک نسبت های موجود، متن را تحلیل می کند. معنای پایه در دستگاه زبانی، معنایی است که در هر جایی از دستگاه قرار گیرد، معنای آن را با خود حفظ می کند. (ایزوتسو، مفاهیم اخلاقی در قرآن، ۱۳۷۸: ۱۴) اگر معنای پایه را در متن قرآن بیان کنیم، این معنا حتی اگر از متن قرآن خارج شود، باز معنای خود را حفظ می کند. (قائمی نیا، ۱۳۸۹: ۵۴۲)

معناشناسی نسبی (Relative semantic): دومین سطح در معناشناسی هر متن، مؤلفه‌هایی از واژه‌ها که در نسبت های گوناگون تغییر می کنند. این تغییر معنا از یک حوزه معنایی به حوزه دیگر معنای نسبی نام دارد. زیرا هر واژه با معنای اساسی خود با قرار گرفتن در جمله‌ای خاص یا درون یک متن، به دلیل روابط و پیوستگی‌ها با دیگر مفاهیم، عناصر معناشناسی جدیدی کسب می کند که برای رسیدن به مفهوم نهایی آن واژه الزامی است. (ایزوتسو، ۱۳۶۱، ص ۱۵)

معناشناسی سیاقی (Contextual semantic) (چینش و نظم خاص کلمات): معناشناسی بر اساس بافت زبانی، معنا را بر حسب چگونگی توزیع واژه‌ها در گونه‌های مختلف و

باتوجه به روابط صرفی، نحوی، همنشینی، جانشینی و تقابل مهم ترین نسبت هایی است که معناشناسی در تحلیل خود از آن ها کمک می گیرد. (فرانک ر، پالم، ۱۳۷۴: ۱۵۹)

نسبت همنشینی یا هم آبی (Symanctic relative): اگر دو واژه هم معنا به جای یکدیگر به کار روند، و در معنای زنجیره گفتار هیچ تغییری ایجاد نشود، نسبت همنشینی یا هم آبی برقرار است. (صفوی، ۱۳۸۷: ۱۰۶)

نسبت جانشینی (Paradigmatic relationship): ارتباط عناصر زبانی را با جانشین های آن ها توصیف می نماید. در اصل روابط موجود میان واحدهایی است که همگی از مقوله دستوری یکسانی بوده و روی یک محور عمودی قرار می گیرند و می توانند به جای یکدیگر بیایند و معنای جمله را تغییر دهند. (باقری، ۱۳۷۸: ۴۲-۴۳، بی پرویش، ۱۳۶۳: ۳۰)

نسبت تقابل معنایی (Opposits relationship) مربع معناشناس (Semantic Square)، که «گرمس» بنیان نهاد، در صورتی می توان دو واژه را متضاد انگاشت که حضور یکی، عدم حضور دیگری را در پی داشته باشد، همان طور که فقدان یکی، اثبات دیگری را به دنبال دارد. تقابل معنایی موردی است که در آن ساخت معنای یک واژه از روی واژه متقابل آن معلوم می شود، مثل رحمت و عذاب. (صفوی، ۱۳۸۷: ۱۱۷، پالم، ۱۳۷۴: ۲۰)

۳. خلود در جهنم با رویکرد معناشناسی تاریخی

جهنم در کتاب تلمود یهودیان دارای هفت طبقه است. هرچه انسان بدکارتر باشد، به همان نسبت جان او در طبقه پایین تر خواهد بود. جهنم به زبان عبری گهی نوم (Gehinom) نام دارد، به معنی دره های عمیق که در زبان عرب تغییر یافته آن جهنم شده است. (آرام، ۱۳۹۵: ۵۲) در عهد عتیق، کیفر اخروی با خلود و مجازات ابدی همراه است مهم ترین وسیله رهایی انسان از عقوبت جهنم، آموختن و مطالعه تورات است، زیرا آتش جهنم بر دانشمندان یهود اثری ندارد. (کهن، ۱۳۸۲: ۳۸۶) یهودیان اعتقاد به قیامت و معاد را پس از آزادی از اسارت بابل به دست کوروش از نشست و معاشرت با ایرانیان زردشتی فراگرفتند. (مشکور، ۱۳۷۷: ۱۳۴-۱۴۲)

جهنم از دید مسیحیان مکان ابدی و محل عذاب است. گودالی آتشین که در زیر زمین قرار دارد. افرادی که با گناهان کبیره از دنیا می روند، به عنوان دشمنان خدا از خیر روی بر می گردانند، خلود ابدی در جهنم دارند. (وحیدی، ۱۳۹۵: ۱۳۲-۱۳۳)

جان بی ناس دین زردشت را نخستین مذهبی می داند که در جهان از مسأله حیات عقبی و مسأله قیامت سخن به میان آورده و مسأله آخرالزمانی را به مفهوم کامل خود مطرح کرده است. (بی ناس، ۱۳۵۴: ۳۱۰) زردشتیان اموری مثل صراط، میزان اعمال، بهشت و جهنم را اعتقاد دارند. (توفیقی، ۱۳۸۱: ۵۷-۶۲)

در دین زردشت، طبق بیان اوستا ارواح تمام آدمیان چه خوب و چه بد، باید از پل جداکننده چینوات (پل صراط) عبور کنند. این پل بر روی دوزخ قرار دارد و یک طرف آن به دروازه بهشت منتهی می شود. (اعرابی، ۱۳۹۴: ۵۳)

عرب جاهلی (اعراب حجاز پیش از اسلام) به طور عام، اعتقادی به معاد نداشتند، جز عده ای قلیل از آنان، و دیگران نه تنها صراحتاً منکر معاد بودند، بلکه حتی به محاجه با رسول خدا می پرداختند و این را می توان به وضوح، در آیات قرآن، شواهد تاریخی و در اشعار شعرای جاهلیت مشاهده نمود. (توفیقی، ۱۳۸۱: ۱۱۰)

در نتیجه، آخرت شناسی دین اسلام در مقایسه با سایر ادیان ابراهیمی یا توحیدی، روشن تر و شفاف تر است اما در این ادیان، اشتراک ها بیش از افتراق ها و اختلاف هاست.

۴. ریشه یابی و اشتقاق واژه "خلود"

۱.۴ در حوزه لغت

- "خلود" در لغت به معنای بقای طولانی است. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۲۳۴/۴)
- "خلود" به معنای اقامت داشتن همیشگی در سرایی و خارج نشدن از آن می باشد. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۴۶/۳)
- "خلد" به معنای ثبات و دوام است. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۳۰۶/۲)
- "خلد" به معنای همیشه بودن و مکث طویل است. (قرشی، بی تا: ۲۷۰/۱)
- "خلود" آن است که شیء از عروض فساد به دور باشد و در یک حالت باقی بماند و نیز هر آن چه تغییر و فساد دیر عارضش شود، عرب آن را با خلود توصیف می کند. (راغب اصفهانی، ۱۳۱۲ق: ۱۱۵)
- به بخش روحانی انسان که در طول زندگی به صورت ثابت باقی می ماند، "خلدا" گویند. (قیصری، ۱۳۷۵: ۱۷۵)

واکاوی مفهوم خلود در جهنم با ... (محمدهادی امین‌ناجی و دیگران) ۶۱

- "خلود" به معنای دوام البقاء می باشد. (جوهری، ۱۴۲۰ق: ۱۶۹/۲)
- "خلود" به معنای دوام و بقا و نیز ثبات و ملازمت آمده است. (مصطفوی، ۱۴۱۶ق: ۹۸/۳)
- "خلود" به معنای مکث طویل است. (طریحی، ۱۳۷۵: ۴۴/۳)
- "خلود" به معنای طول اللبث و مکث طویل می باشد. (آمدی، ۱۴۲۳ق: ۳۸۰/۴)
- "خلود" به معنای بی مرگی آمده است. (زحیلی، ۱۴۱۸ق: ۱۹/۱۶)
- "خلود" به معنای جاودانگی، دوام، بقا، ابدیت و همیشگی است. (معلوف، ۱۳۸۰: ۲۱۷)
- "خلد، یخلد، خلودا" یعنی ماندگار شد، جاودان شد، ابدی شد. (انیس، ۱۴۰۸ق: ۵۳۱/۱)
- "خلد": به معنای بقا، همیشگی، دوام، نامیرایی، جاودانگی، فناپذیری است. (سیاح، ۱۳۶۵: ۳۶۳/۱، آذرنوش، ۱۳۸۴: ۱۷۶)
- در رویکرد بلاغی و شیوه های بیانی "خلود" کنایه از ابدیت و جاودانگی است؛ مثلاً عرب می گوید: "این وضع برقرار است، مادام که شب و روز برقرار می باشد."

۲.۴ در حوزه تفسیر

- "خلود" ثبات و دوام و بقایی است که منقطع نمی گردد. (زمخشری، ۱۴۱۷ق: ۱۱/۱)
- "خلود" در جهان آخرت همان زمان طولانی است. (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۴۸۸/۱)
- "رجل مخلد": مردی که مویش دیر سفید شده است ولیکن به عنوان استعاره درباره کسی استعمال می شود که دائماً باقی می ماند. (طباطبایی، ۱۴۰۳ق: ۲۴/۱۱)
- "جوادی آملی" می گوید:

معتزله واژه "خلود" را به معنای ثبات و دوام می گویند زیرا هنگام استعمال واژه خلود و مشتقات آن معنای ابدی و دائمی آن به ذهن تبادر می کند و استعمال واژه "خلود" در این معنا کثرت و شیوع دارد؛ اما اشاعره معنای لغوی واژه "خلود" را اقامت طولانی، نه دائمی و ابدی می دانند، این معنا در قرآن نیز محفوظ مانده است و در اشعار عربی هم از اقامت طولانی فردی پیر تعبیر به "رجل مخلد" می کنند. (برگرفته از مقاله حسن مطیع، ۱۳۸۷: ۱۰۱)

- زراره از امام باقر(ع) در باره " فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُّوا فَفِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ" (هود/۱۰۷-۱۰۸) امام (ع) فرمودند: "هاتان الایتان فی غیر أهل الخلود من أهل الشقاوه و السعاده إن شاء الله يجعلهم بخارجین" عبارت " فی غیر اهل الخلود" در روایت آمده، در صورتی که در آیه عبارت " خَالِدِينَ فِيهَا" آمده است. معلوم می شود امام باقر(ع) برای مفهوم خلود دو معنا در نظر گرفته است: خلود در معنای اول عذاب دائمی باشد و در معنای دوم عذاب دائمی نباشد. (عیاشی، ۱۳۸۰، ۱۶۰/۲)

۳.۴ در حوزه صرفی

واژه خلود در قرآن "۷۹" بار آمده که "۴۱" بار در مورد بهشتیان و "۳۸" بار در مورد دوزخیان در این ساختارها آمده است: "خالدون" (پانزده) بار و "خالدین فیها" (یازده) بار و "خالدین فیها ابدا" (سه) بار و "خالدافیه" (یک) بار و "خالدین فیه" (یک) بار و "دارالخلد" (شش) بار که (پنج) بار آن در قالب اضافی است و (یک) بار در ساختار ماضی "اخلد" و (یک) بار در ساختار مضارع "تخلدون" می باشد. ریشه خلود بیش تر در شکل ثلاثی مجرد و به صورت اسم فاعل جمع "خالدون و خالدین" در مورد بهشتیان و جهنمی ها به کار رفته است. دستگاه خلود بهشتیان، مثبت، پویا و جمع گرا و دستگاه خلود جهنمی ها منفی، ایستا و براساس ایمان گریزی است. هدف اصلی خداوند، بسترسازی بر پایه ایمان آوری انسان است. اگر واکنش آدمی تصدیق فهم خود باشد، نتیجه فوری آن ایمان به خداوند و انجام اعمال صالح و بهشت برین خواهد شد. اگر واکنش آدمی تکذیب یافته های علمی خود باشد، نتیجه فوری آن کفر، استکبار، انکار و خلود در جهنم است.

۵. معنانشناسی واژگان هم‌نشین با خلود (معنانشناسی هم‌زمانی)

دو واژه "دوام" و "أبد" اولین سطح معنانشناسی (معنانشناسی پایه) هستند، فعل "شاء" (مشیت) و "قتل عمد مؤمن" دومین سطح معنانشناسی (معنانشناسی نسبی) هستند که از سیاق آیات استخراج می شوند.

۱.۵ "دوام"

مدلول زمانی "مَادَامَتْ" از ریشه دوام با اسم فاعل "خَالِدِينَ" از ریشه خلود دارای رابطه هم‌نشینی از نوع اول (معناشناسی پایه) است. واژه "خلد" در لغت به دو معنای مختلف آمده است: الف- ثبات و دوام که معنای مشهور (ابدیت) است. ب- مدت طولانی که معنای غیر مشهور است. آیات "۱۰۷ و ۱۰۸" سوره هود با ترکیب وصفی "خلد" همراه با "دوام" در قالب فعل "مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ" در ارایه تصویر کامل شقی و سعید در روز رستاخیز آمده، آن چه سبب پیوند معنایی استوار میان واژه "مَادَامَتْ" با "خَالِدِينَ" است، انتزاع گونه مفهوم دوام و پایداری است. این آیات ارایه دهنده تصویری از خلود مشروط هستند. در هر دو آیه خلود در بهشت و جهنم به دوام آسمان‌ها و زمین توسط خدا مشروط شده اند.

۲.۵ "أَبَدًا"

مدلول زمانی واژه "أَبَد" در بافت متنی قرآن با "خلود" دارای رابطه هم‌نشینی از نوع اول (معناشناسی پایه) است. در معنای واژه "أَبَد" دو نظر متفاوت است الف- لفظ "أَبَد" معنای استمرار نامحدود را دارد. ب- لفظ "أَبَد" برآینده و مستقبل تاکید دارد. حال باید دید قرآن بر کدام معنا مهر تأیید می‌گذارد. واژه "أَبَد" در قرآن برای استمرار نامحدود و تأکید آمده است. "ماکتین فیه أَبَدًا" جاودان در آن (بهشت) مکث می‌کنند. واژه "أَبَد" در این آیه به معنای استمرار نامحدود است؛ در "خالدین فیها أَبَدًا" مدتی طولانی در آن (جهنم) مکث کنند. واژه "أَبَد" معنای تأکید خلود را می‌دهد.

۳.۵ "مشیت" (شاء)

فعل "شاء" در "إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ" و "إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ" با خَالِدِينَ فِيهَا دارای رابطه نوع دوم هم‌نشینی (معناشناسی نسبی) است. الف. یَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلِّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِذَنبِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَفِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ وَأَمَّا الَّذِينَ سَعَدُوا فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْذُودٍ ﴿هود/۱۰۵-۱۰۸﴾ در این آیات، ابتدا دو عنوان

شقی و سعید مطرح می شود، بعد از صاحبان شقاوت و سعادت سخن می گوید. درباره اشقیاء هنگامی که با آتش روبرو می شوند، خلود را بیان می کند ولی به قید زمانی "مَا دَامَتْ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ" مقید می کند که از آن اطلاق ابدیت فهمیده نمی شود؛ زیرا خلود مقید به قید زمانی "مادام" شده و هیچ گاه قضیه دائمه نمی تواند ظهور اخلاقی در ابد و استمرار داشته باشد، گذشته از آن بعد از "خَالِدِينَ فِيهَا" إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ " را می آورد، عناد و سرکشی را محکوم می کند، در حالی که نومییدی را از بین می برد، از خلود سخن می گوید ولی دائمی بودن آن را اثبات نمی کند.

ب. " قَالَ النَّارُ مَثْوَاكُمْ خَالِدِينَ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ " (انعام/۱۲۸) ابتدا می فرماید: "النَّارُ مَثْوَاكُمْ" آتش جایگاه اهل دوزخ است و با "خَالِدِينَ فِيهَا" سخن از شاهدهی گویا در فهم مشیت است. آیه مشیت را آورده و خلود و استمرار را رد می کند. روشن نیست که عذاب همیشگی یا موقت خواهد بود، در این آیه اصل آتش و عذاب به قوت خود باقی است، ولی همراه مشیت دو اسم مبارک "علیم و حکیم" آمده و حتمیت خلود در آتش به حق تعالی و اگذار شده، به علاوه رب با کاف (رَبِّكَ) آمده که کمال عطوفت خداوند را می رساند. مشیت حق در مرتبه علم و حکمت است که این تحقق مشیت، همان استثنای از خلود است، از رهایی و انقطاع عذاب اهل آتش خبر می دهد و نومییدی را از بندگان خود، هر چه باشند، دور می سازد.

۴.۵ "قتل عمد مؤمن"

جمله فعلیه "وَمَنْ يُقْتَلْ مُؤْمِنًا" با واژه "خلود" دارای رابطه نوع دوم همنشینی (معناشناسی نسبی) است.

"وَمَنْ يُقْتَلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعْنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا" (نساء/۹۳) هر کس عمداً مؤمنی را بکشد، کیفرش دوزخ است که در آن ماندگار خواهد بود؛ و خداوند بر او خشم می گیرد و لعنتش می کند و عذابی بزرگ برایش آماده ساخته است. از این آیه نمی توان خلود ابدیت را استنباط کرد، گر چه ظاهر آیه علاوه بر خلود و غضب، لعن خداوند را هم دربردارد ولی در آخر این آیه "عذاب عظیم" آمده که خلود به معنای ابدیت را نمی رساند، تنها شدت و عظمت آن را بیان می کند.

۶. تحلیل انتقادی معناشناسی واژگان هم‌نشین

۱.۶ "دوام"

الف. ملاصدرا دوام آسمان‌ها و زمین قیامت را بلا انتها و علت آن را تعلق به نور الهی می‌داند. "يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ (ابراهیم/۴۸) روزی که زمین به غیر از زمین تبدیل شود و آسمان‌ها [به غیر از آسمان‌ها] و (مردم) در برابر خدای یگانه فهار ظاهر شوند." ورسول خدا فرمود: زمین دنیا به حالتی دیگر تبدیل می‌شود به گونه‌ای وسیع که همه خلایق را در بر می‌گیرد. (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ۷۳۱/۲) ب. علامه طباطبایی آسمان و زمین آخرت را متفاوت با نوع دنیوی می‌داند "مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ" (نحل/۹۶) "تمام اموری که ارتباطی با خدا دارند، ماندگار و چیزهایی که وجهه الهی ندارند، از میان رفتنی هستند.

"كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَيَبْقَىٰ وَجْهٌ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ" (الرحمن/۲۶-۲۷) هرچه بر [زمین] است، فانی و ذات پروردگار باقی است. (طباطبایی، ۱۴۰۳، ۳۰/۱۱)

ج. کاشانی دوام عذاب را تابع ملکات حاصل از اعمال و نیات می‌داند. (کاشانی، ۱۴۲۲ق:۴۸۶) او گوید: "چگونه کسی که ایامی معدود معصیت کرده، همیشه در عذاب مخلد بماند." حدیثی از امام صادق (ع) می‌آورد که فرمودند: "طبق نیتش؛ کسی که نیت دارد، اگر همیشه زنده بماند تا ابد معصیت کند، خداوند بر همین مبنای عذاب او را دائمی می‌کند؛ زیرا نیت او از عملش بدتر است" "قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكَلْتِهِ" (اسراء/۸۴) هرکس بر حسب ساختار روانی خود عمل می‌کند." (صدوق، ۱۴۱۴ق:۳۹۹)

د. اندیشمندی می‌گوید: قرآن موضوع ابدیت عذاب گروه کفار معاند را به دوام آسمان‌ها و زمین تشبیه کرد، تا بهتر ملموس همگان شود. این روش بهترین بیان برای فهم معانی بلند و دقیق است؛ زیرا ابدیت در معنا کمتر ملموس همگان است و محتاج تحلیل و کاوش عقلی بسیار می‌باشد. (نکونام، ۱۳۸۶: ۹۵)

۲.۶ "أبد"

واژه خلود "۳۰" بار با واژه "أبد" در قرآن کریم هم‌نشین شده است: "خالدين فيها أبداً"

واژه "أَبَد" سه بار در مورد دوزخیان آمده که دو بار به یقین در مورد کافران می باشد. روح معنای خلود ثبات ودوام است، ولی کاربرد آن در زمان طولانی با قرینه عقلی امکان دارد؛ مثلاً فلانی دولتش همیشگی است، با این بیان آرزوی طولانی بودن هر چه فزون تر دولت او می شود. هر گاه واژه "خلود" با "أَبَد" همراه شود، مثل دو واژه فقیر و مسکین معنای یکدیگر را تأکید می کنند. پس معنای واژه "أَبَد" در قرآن کریم تنصیصی بر خلود ابدی ندارد.

۳.۶ "مشیت" (شاء)

الف- منظور از (شقی) در "فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا" افرادی که اهل ایمان و طاعت بوده، ولی گناهای از آن ها سرزده است، برای مدتی مستوجب دوزخ و بعد از پاکسازی به بهشت می روند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۳۰/۱۲)

ب- "استثناء در مورد بهشتیان، استثناء از زمان و در مورد دوزخیان، استثناء از اعیان است. (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۱۰)

ج- کلمه "ما" در "إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ" به معنای "کسانی که" موصوله می باشد. احادیث این مطلب را تأیید می کنند. امام باقر (ع) فرمودند: "آیه در مورد آن عده ای است که از آتش بیرون می آیند" (طباطبایی، ۱۴۰۳: ۲۹/۱۱)

۴.۶ "قتل عمد مؤمن"

"وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعْنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا" (نساء/۹۳) ظاهر آیه خلود وابدیت در عذاب برای کسی است که به عمد مؤمنی را بکشد و قاتل هر کس که باشد، کافر یا مشرک، فاسق یا مؤمن، با انگیزه یا بر اثر غفلت، این قتل اتفاق افتاده باشد، آیه با آیات غفران، مشیت، احادیث، عقل و حکمت مقید می گردد. آیات غفران:

۱. إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (زمر/۵۳) در حقیقت، خدا همه گناهان را می آمرزد، که او خود آمرزنده مهربان است.

واکاوی مفهوم خلود در جهنم با ... (محمدهادی امین‌ناجی و دیگران) ۶۷

۲. "إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ" (نساء/۴۸) مسلماً خدا، این را که به او شرک ورزیده شود نمی‌بخشاید و غیر از آن را برای هر که بخواهد می‌بخشاید. این آیات بیان می‌کنند که خداوند تمام معاصی غیر از شرک را می‌آمرزد. (نجیمی، ۱۳۹۴: ۵۲)

آیات مشیت:

۱. "إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ" (هود/۱۰۷)

۲. "إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ" (انعام/۱۲۸)

در هر دو آیه خلود را به مشیت پروردگار تو مشروط کرده که کمال عطف و پروردگار را نشان می‌دهد و موارد عدم خلود دوزخیان را افزایش می‌دهد.

روایات: "ابن ابی عمیر" از امام کاظم نقل می‌کند "لا یخلد الله فی النار إلا أهل الكفر و العنود و أهل الضلال الشرك" (همان، ج ۱، ص ۱۳۱) خدا جز کافران و معاندان و گمراهان و مشرکان، کسی را در آتش جاودان نمی‌کند. (مجلسی، ۱۴۱۳ق، ۱/۳۵۱)

عقل و حکمت: اگر آیات و روایات بر عذاب ابدی مخلد دلالت دارند، این مطلب عقلاً مبرهن نشده، بلکه عقل حکم به استبعاد آن می‌کند لذا نمی‌تواند پیش عقل معتبر باشد. چگونه از یک عمل محدود، یک اثر جاودان به نام عذاب الخلد تکویناً بوجود آید، مثلاً کسی یک عمر عبادت خدا کرده، ولی در ساعات آخر عمرش بنا به عللی در عداد کفار قرار گرفته است، چگونه ممکن است اعمال چند ساعته او منجر به عذاب خلد گردد. (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۱۸/۴۲۰)

۷. معناشناسی واژگان جانشین با خلود (معناشناسی هم‌زمانی)

گفتیم رابطه جانشینی، ارتباط عناصر زبانی را با جانشین‌های آن‌ها توصیف می‌نمایند، واحدهایی که روی یک محور عمودی قرار می‌گیرند، می‌توانند به جای یکدیگر بیایند و معنای جمله را تغییر دهند.

آیات جانشین با خلود مانند

۱. آیات دال بر مأوا: این آیات فقط به مکان دوزخیان اشاره دارند. "فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا" (نساء/۹۷) جایگاه اینان جهنم است و بد جایگاهی است.
 ۲. آیات دال بر عدم مرگ و زندگی: "إِنَّهُ مَنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى" (طه/۷۴) در حقیقت، هر که به نزد پروردگارش گنهگار رود، جهنم برای اوست. در آن نه می‌میرد و نه زندگی می‌یابد.
 ۳. آیات دال بر عذاب دردناک: "فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا نُكْرًا" (کهف/۸۷) آن گاه او را عذابی سخت خواهد کرد
 ۴. آیات دال بر عدم تخفیف عذاب "فَلَا يُخَفِّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ" (بقره/۸۶) هرگز تخفیف عذاب در کار نیست و کسی آن‌ها را یاری نمی‌کند.
 ۵. آیات دال بر عدم خروج از آتش: "وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ" (بقره/۱۶۷) و از آتش بیرون‌آمدنی نیستند.
- این آیات شدت عذاب دوزخیان را بیان می‌کنند و التزامی بر خلود ابدی مخلد در عذاب ندارند.

۸. معنانشناسی واژگان متقابل با خلود (معنانشناسی هم‌زمانی)

مربع معنانشناس گرمس (Semantic Square)، در صورتی دو واژه متضاد هستند که حضور یکی، عدم حضور دیگری را در پی داشته‌باشد، می‌توان به چهار موقعیت متقابل بر روی مربع تشبیه کرد که سه نوع ارتباط حاصل می‌شود: الف) ارتباط تقابل تضادی (relation de contrariété) که بر روی محور متضادها، بین دو واژه بالایی مربع وجود دارد. ب) ارتباط تقابل تناقضی (relation de contradiction) بین یک متضاد و نفی آن ایجاد می‌شود. ج) ارتباط تقابل تکمیلی (relation de complémentarité) بین نفی متضاد و واژه مثبت برقرار می‌شود. (شعیری، مبانی معنانشناسی نوین، ص ۱۲۷)

۱۸ تقابل "خلد ویلی"

"فَوَسَّسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّيْلِي" (طه / ۱۲۰) پس شیطان او را وسوسه کرد، گفت: «ای آدم، آیا تو را به درخت جاودانگی و مملکتی که زایل نمی‌شود، راه نمایم». فعل "ییلی" از ریشه "ب ل ی" معنای کهنگی، خستگی، افسردگی جسم و آزمایش با سختی و مشقت دارای رابطه تقابل با "شَجَرَةِ الْخُلْدِ" به معنی درخت جاودانگی است. (راغب، ۱۳۱۲: ۱۰۳)

از دید مربع معناشناسی گرمس، جاودانگی و کهنگی، دو قطب بالایی مربع، نقض جاودانگی و کهنگی، دو قطب پایینی مربع و نوع تقابل، ارتباط تقابل تناقضی است.

۲۸ تقابل "موت و حیات"

تعبیری که قرآن از دوزخیان دارد، آن است که حیات مستلزم نوعی تعیش و التذاذ و برخورداری و تنعم انسانی است. اگر فردی فاقد هر گونه لذت، تعیش و تنعم انسانی باشد مانند آن است که زنده نیست "وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى الَّذِي يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَى ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى" (اعلیٰ/ ۱۱-۱۳) ونگون‌بخت، خود را از آن دور می‌دارد؛ همان کس که در آتشی بزرگ در آید، آن گاه نه در آن می‌میرد و نه زندگانی می‌یابد. مفهوم خلود از یک سو مترادف با حیات/ زندگی است و از سوی دیگر متضاد باموت/ مرگ است.

از دید مربع معناشناسی، مرگ و زندگی دو قطب بالایی مربع، نقض مرگ و نقض زندگی، دو قطب پایینی مربع و نوع تقابل، ارتباط تقابل تضادی است.

۳۸ تقابل "دنیاخواهی و آخرت‌گرایی"

"كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ" (قیامه/ ۲۰-۲۱) چنین نیست که شما می‌پندارید (و دلایل معاد را کافی نمی‌دانید)؛ بلکه شما دنیا را زودگذر را دوست دارید (و هوسرانی بی‌قید و شرط را) و آخرت را رها می‌کنید!

أجل معادل مرگ به عنوان نقطه پایانی وجودی انسان به شکل مطلق، غایت و انتهای مهلت و وقت معین هر چیز است، از آن جاکه آخرت پایان دوره ای معین یعنی سرانجام

دنيا و پدیدارهای دنیوی است، به آن "آجله" در مقابل "الْعَاجِلَةَ" به معنی دنیا گویند. (ابن المنزور، ۱۴۲۰ق: ۱۶/۱۱)

از دید نظریه مربع معنانشناسی اولین اصل در نظریه، یعنی وجود دو واژه متضاد در مقابل هم، رعایت شده؛ بنابراین، چهار قطب مربع ایجاد شده و مشخص است که نقض هر یک، وجود دیگری را در پی دارد. آنان که دنیا را نقض کرده و یا از طریق معامله صحیح با دنیا و نه ترک مطلق آن در پی نیل به آخرت هستند، مسلماً عقبی را برگزیده و برای آبادانی سرای آخرت تلاش می‌نمایند و آنان که تمام هم و غم خود را برای سرای دنیا نهاده‌اند، آخرت را نقض و متوجه دنیا هستند و یقیناً به خسران عظیمی دچار خواهند شد. نوع تقابل، ارتباط تقابل تضادی است.

۴۸ تقابل "سعادت و شقاوت"

"فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُّوا فَفِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ" (هود/۱۰۶)

اما کسانی که تیره‌بخت شده‌اند، در آتش، فریاد و ناله‌ای دارند تا آسمان‌ها و زمین برجا است،

وَأَمَّا الَّذِينَ سَعِدُوا فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ" (هود/۱۰۸)

و اما کسانی که نیکبخت شده‌اند، تا آسمان‌ها و زمین برجاست، در بهشت جاودان هستند،

واژگان سعادت و شقاوت از افعال "سَعِدُوا، شَقُّوا" انتزاع می‌شوند. سعادت و شقاوت همیشه در تقابل با یکدیگرند. طالب سعادت و طالب شقاوت، به هیچ وجه نمی‌توانند در یک گروه قرار بگیرند و برای رسیدن به یکی، به ناچار باید دیگری را نفی و نقض کرد. از دید نظریه مربع معنانشناسی، دو واژه متضاد در مقابل هم قرار گرفته‌اند، چهار قطب مربع ایجاد شده که نقض هر یک، اثبات دیگری را در پی دارد. «سعادت به معنی خوشبختی، و شقاوت به معنی بدبختی پس می‌توانیم چهار قطب مربع: خوشبختی و بدبختی دو قطب بالایی مربع، و نقض خوشبختی و نقض بدبختی، دو قطب پایینی مربع می‌باشند. نوع تقابل، ارتباط تقابل تضادی است.

۵.۸ تقابل خیرالبریه و شرالبریه

«إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» (بینه/۶-۷) آن‌ها که کافر شدند جاودان در آتش جهنم خواهند بود و ایشان بدترین خلق خداوند و کسانی که ایمان آورده، اعمال صالح کردند ایشان بهترین خلق خداوند.

«تقابل بین «کفر و ایمان» و «شر البریه و خیرالبریه» وجود دارد، مربع اول، کفر و ایمان، از گونه تقابل تکمیلی هستند؛ زیرا کفر و ایمان، به هیچ‌وجه در یک مقوله نخواهند گنجد؛ نفی یکی، مستلزم اثبات دیگری خواهد بود.

دومین مربع: بهترین بندگان «خیر البریه» در تقابل با بدترین بندگان «شر البریه» نفی هریک، اثبات دیگری را دارد که چهار قطب مربع دوم را شکل می‌دهد. سومین مربع، «ایمان و کفر؛ بهترین و بدترین بندگان» که نوع تقابل، ارتباط تقابل تکمیلی است.

۶.۸ تقابل "خلود و احقاب"

"لَا يَبِثُّ فِيهَا أَحْقَابًا" (نبأ/۲۳) روزگاری دراز در آن (جهنم) درنگ کنند. کلمه لبث در "لَا يَبِثُّ" مرادف مکث و انتظار است. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۲۲۷/۸) راغب ملازمت در مکان را به معنای آن افزوده است. (راغب اصفهانی ۱۴۱۲ق: ۷۳۳/۱) در مورد اهل بهشت "مَأْكُوتِينَ فِيهِ أَبَدًا" (کهف/۳) در آن (بهشت) تا ابد توقف می‌کنند. کلمه "أبَدًا" انتظار پایان را نفی می‌کند، زیرا پایان‌پذیری اقامت در بهشت معنا ندارد. در مورد اهل جهنم "قَالَ انكُمْ مَأْكُوتُونَ" (زخرف/۷۷) کلمه مکث در "مَأْكُوتُونَ" به معنای اقامت همراه با انتظار و درنگ در مکانی است، اهل جهنم به نوعی انتظار پایان رسیدن آن را دارند.

از دید مربع معنانشناسی گرمس، جاودانگی و عدم جاودانگی دو قطب بالایی مربع، و نقض جاودانگی و نقض عدم جاودانگی، دو قطب پایینی مربع و تضاد از نوع تقابل تناقضی است.

۷.۸ بررسی معناشناسی آیه احقاب

"إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا لِلطَّاغِينَ مَآبًا لَابِثِينَ فِيهَا أَحْقَابًا" (نبأ/ ۲۱-۲۳) [آری،] جهنم [از دیرباز] کمینگاهی بوده، [برای سرکشان، بازگشتگاهی است. روزگاری دراز در آن درنگ کنند. «تنها آیه ای که به طور صریح از آمد و زمان سخن می گوید، آیه احقاب است. این آیه جهات متعدد از ابهام دارد. اجمال در لفظ، معنا، زمان، افراد، ابدیت یا موقت بودن دارد.

۱. اجمال در لفظ: "احقاب" جمع حقب با ضم حاء و سکون قاف یا به دو ضم حاء و قاف یا به کسر حاء و فتح قاف که مفرد آن حقبه باشد، به معنای زمانی طولانی ولی محدود است. (نجیمی، ۱۳۹۴: ۵۲)

۲. اجمال در معنا: برخی احقاب را به معنای بی زمانی و برخی به معنای مدت طولانی معنا می کنند. (همان: ۵۳)

۳. اجمال در زمان: برخی یک حقب را ۷۰۰۰ سال و هر روزش را ۶۰۰۰ سال ما می دانند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰/۶۴۳)

۴. اجمال در افراد: برای افرادی که روزی از آتش خارج می شوند و مربوط به کفار غیرمعاند است. (همان: ۱۰/۶۴۴)

پس "أحقاب" یا وصف کفار معانداست که معنای آیات خلود و ابد را تأکید می کند یا وصف گروهی از اهل دوزخ که معاند و سرکش نمی باشند، شامل افراد گنهکار مسلمان و کفار غیر معاند می شوند، معنای زمان محدود دارد. آیات خلود از اطلاق برخوردارند، مصادیقی از گروه های مسلم اهل عذاب که ابد و استمرار دارند را بیان می دارند، چنان که آیات احقاب مربوط به ائمه کفر و مصداقی برای بیان ابد و خلود می باشند. (طباطبایی، ۱۴۰۳ ق: ۱۶۹/۲۰)

۹. جمع بندی تطبیقی

- رسول خدا (ص) فرمودند: "پس از آن که گروهی از جهنم نجات یافتند، کفاری که در آن باقی مانده، ندا می دهند: ای خدا پوست و استخوانمان را آتش سوزاند، ما را

واکاوی مفهوم خلود در جهنم با ... (محمدهادی امین‌ناجی و دیگران) ۷۳

از جهنم نجات بخش، سرانجام خداوندان‌ها را نجات می‌دهد." (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۳۵۱/۸)

- سیوطی بعضی از صحابه و قدما را از مخالفان خلود در عذاب ذکر می‌کند: "عمر بن خطاب، ابوهریره، عبدالله بن عمر، ابوسعید و شعبی از آن جمله هستند." (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ۳۸۰/۳)

- "یا أهل الجنة خلود لا موت و یا أهل النار خلود لا موت": بهشتیان بدانند که ابدیت است و مرگی در کار نیست و یاران آتش بدانند ابدیت و عذاب و دوزخ است و مرگی در کار نیست. (سنن ترمذی، بی تا، ۹۶/۴)

"أخرجوا من النار من قال لا اله الا الله و كان في قلبه ما يزن ذرة من ايمان": هر کس به کلمه مبارکه توحید شهادت دهد یا اندکی از ایمان در دل وی باشد از آتش و عذاب خارج می‌شود. (تفتازانی، ۱۳۲۲، ۳۸۰/۳)

- معنای خلود کافران در عذاب این است که مدت طولانی در آن می‌مانند، زیرا خداوند رحمان که رحمتش بر غضبش پیشی گرفته است، هرگز کسی از بندگان خود را عذاب جاودان نمی‌کند. (رشید رضا، بی تا، ۲۵۰/۲)

- در قرآن نص قطعی بر دوام عذاب کفار وجود ندارد. فقط در باره بقای دائمی کفار در جهنم نص صریح وارد شده ولی از این استنتاج نمی‌شود که اصل عذاب نیز دائمی و سرمدی باشد. (شیخ شلتوت، بی تا، ۵۸)

- دوزخیان پس از سپری شدن احقاب، کم‌کم به عذاب الفت می‌گیرند و از شدت عذاب، معذب نمی‌شوند، عذاب به عذب تبدیل می‌گردد. (عبدارزاق کاشانی، ۱۴۳۲ق، ۱۲۳)

- کفر در انسان‌های ملحد، امری عارضی است و هر امر عارضی روزی زوال‌پذیر است. (ابن قیم جوزیه، ۴۱۴ق، ۲۶۰)

- علاوه بر مؤمنین عاصی، کفار غیر معاند از جهنم خارج می‌شوند و به مکان سومی به نام اعراف بین جهنم و بهشت وارد می‌شوند که عذابی ندارند. (حسینی طهرانی، ۱۴۲۳ق، ۶۴۹/۲)

- ملاصدرا گوید: جهنم اصل و ماده آن که تعلق نفس به امور دنیوی است از سنخ دنیا می‌باشد، لذا صورت آن که صورت مؤلمه و عدم و نقص است از امور سلویه است و جاودانگی ندارد. (ملاصدرا، الاسفار: ۳۱۹/۹)
- روزی فرا می‌رسد که درهای جهنم بسته می‌شود، در حالی که هیچ کس در آن نیست، بعد از آن که گنهکاران احقاب طولانی در آن به سر بردند، جهنم سرد می‌شود. (سیوطی، ۱۴۰۴ق: ۴۷۸/۳)
- "مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ" (نحل/۹۶) همه زمینیان فانی می‌گردند و بعد از فنا دنیا آن چه نزد اوست مثل جزاء و قرب الی الله باقی می‌ماند. اگر جهنم وجه خدا نباشد، فانی و ازبین رفتنی است. (طباطبایی، ۱۴۰۳ق: ۱۷۰/۲۰)
- قرآن همه چیز را فانی می‌داند ولی در هیچ آیه ای سخن از استثنای ذات اقدس الهی نیست و آن چه استثناء شده وجه خداوند است که همان ظهور فیض است. (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ۳۸۴/۴)
- خلود به دوام آسمان‌ها و زمین تعلیق شده، دوزخ با از بین رفتن آسمان‌ها و زمین بهشت می‌شود. عذاب معدوم می‌گردد و نعیم و امان باقی می‌ماند. (ابن عربی، ۱۴۱۰ق، ۵۶/۲)
- آسمان‌ها و زمین در قیامت بازسازی می‌شوند و با نابودی جهنم، جان دوزخیان به صفوف جن ملحق می‌گردد. (بهبودی، ۱۳۶۹: ۲۳۶)

۱۰. نتیجه‌گیری

واژگان خلود "۷۹" بار در قرآن کریم آمده که "۴۱" بار در مورد بهشتیان و "۳۸" بار در مورد دوزخیان است. این پژوهش به این نتایج می‌رسد: نخست خلود یک مفهوم فرازمانی است، چون به آخرت مربوط است. دوم خلود به دو معنای عذاب دائمی و غیردائمی کاربرد دارد. سوم واژگان همنشین با خلود از رهایی و انقطاع اهل عذاب خبر می‌دهد. واژگان جانشین با خلود، دلالت بر شدت عذاب دارند. واژگان متقابل با خلود (احقاب) دلالت بر مکث در زمان‌های طولانی عذاب دارند. چهارم احادبث موافق با خلود، تهدید و تخویف کسانی است که به دین اسلام ایمان نمی‌آوردند و صرف خبردادن و

وعید به عذاب مخلد، موجب وقوع آن نمی‌شود. پنجم خلود در جهنم برای همه گنهکاران دائمی نیست. مؤمنین عاصی بعد از پاکسازی از جهنم رهایی و وارد بهشت می‌گردند. کافران دو دسته‌اند: دسته اول کفار غیرمعاند، بعد از تطهیر از جهنم نجات و به مکان سومی به نام اعراف مستقر می‌گردند. دسته دوم کفار معاند که خلودشان دائمی است، تعدادشان نسبت به کل بشریت بسیار کم است و خلود جاودان آن‌ها در دوزخ موقوف به مشیت الهی است؛ چه بسا با معدوم یا سرد شدن جهنم نابود و یا به صفوف جنیان ملحق شوند.

کتاب‌نامه

- آذرنوش، آذرتاش، (۱۳۸۴)، فرهنگ معاصر عربی-فارسی، تهران: نشر نی.
- آرام، محمدرضا، (۱۳۹۵)، مقاله "سیر فرجام‌شناسی در دین یهود، کتاب قیم، ش ۱۴، صص ۲۰-۵۲.
- آمدی، سیف‌الدین (۱۴۲۳ق)، ابکارالافکار فی اصول الدین، قاهره: دارالکتب.
- ابراهیمی، حسن، (۱۳۸۸)، مقاله "بررسی تاویلات ابن عربی در باره آیات خلود و جاودانگی عذاب در قرآن"، مطالعات عرفانی، ش ۱۰، صص ۵-۲۶.
- ابن بابویه، محمدبن علی، (شیخ صدوق) (۱۴۱۴ق)، اعتقادات الامامیه، ج ۲، قم: کنگره شیخ مفید.
- ابن عربی، محی‌الدین، (۱۴۱۰ق)، رحمه من الرحمن فی تفسیر و اشارات القرآن، دمشق: مطبعه نصر.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، قم: مرکز الاعلام الاسلامی.
- ابن قیم جوزیه، محمدبن ابی بکر، (۱۴۱۴ق)، شفاء العلیل، بیروت: دارالجمیل.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، ط ۳، بیروت: دارالفکر.
- اعرابی، غلامحسین، (۱۳۹۴)، مقاله "بررسی تطبیقی معاد در کتب اوستا، عهدین، تلمود و قرآن کریم باتاکید بر اوصاف و ویژگی‌های بهشت"، پژوهش دینی، ش ۳۰، صص ۲۰-۵۵.
- انیس، ابراهیم، (۱۴۰۸ق)، المعجم الوسیط، تهران: مکتبه الثقافه الاسلامیه.
- ایزوتسو، توشیهیکو، (۱۳۶۱)، خدا و انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، ج ۳، تهران: نشر اسلامی.
- همو، (۱۳۷۸)، مفاهیم اخلاقی در قرآن، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: نشر اسلامی.
- بهبودی، محند باقر، (۱۳۶۹)، معانی القرآن، تهران: خانه آفتاب.
- بیات، مرتضی، صیدی، محمود، (۱۳۹۸)، مقاله "نقد و تحلیل معناشناسانه واژه "خلود" در قرآن کریم باتاکید بر دیدگاه معتزله و اشاعره"، پژوهش‌های ادبی - قرآنی، ش ۶، صص ۱۳۱-۱۵۰.
- بی‌پرویش، مانفرد (۱۳۶۳)، زبان‌شناسی جدید، ترجمه محمد رضا باطنی، تهران: نشر آگاه.

- بی ناس، جان، (۱۳۵۴)، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، چ ۳، تهران: انتشارات پیروز.
- پالمر، فرانک، (۱۳۷۴)، نگاهی تازه به معنی شناسی، ترجمه کورش صفوی، تهران: کتاب ماد.
- ترمذی، محمد بن عیسی، بی تا، سنن الترمذی (الجامع الصحیح)، تحقیق احمد محمد شاکر، بیروت: احیاء التراث العربی.
- تفتازانی، سعدالدین مسعود بن عمرو بن عبدالله، (۱۳۲۲)، شرح المقاصد، قم: انتشارات رضی.
- توفیقی، حسین، (۱۳۸۱)، آشنایی با ادیان بزرگ، چ ۵، تهران: انتشارات سمت.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۵)، تسنیم، چاپ اول، قم: انتشارات اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۱۰ق)، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، ط ۱، بیروت: دار العلم.
- جمشیدیان، نیره، آل رسول، سوسن، (۱۳۸۹)، مقاله "خلود و جاودانگی در بهشت و جهنم از منظر قرآن"، دین پژوهی و کتابشناسی قرآنی، ش ۶، صص ۸۹-۱۰۷.
- حاجی شرفی، رضوان، (۱۳۹۸)، مقاله "معناشناسی خلود در جهنم بر محور همنشینی"، مطالعات ادبی متون اسلامی، ش ۱۵، صص ۳۷-۷۰.
- حسینی طهرانی، سید محمد حسین، (۱۴۲۳ق)، معادشناسی، مشهد: نشر علامه طباطبایی.
- حمیری، نشوان بن سعید، (۱۴۲۰ق)، شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم، بیروت: دارالفکر.
- دهقانی، محمد حسین، محمد رضا بلاتیان، (۱۳۸۹)، مقاله "تحلیلی بر جاودانگی عذاب از دید ملاصدرا و تطبیق آن با آیات و روایات"، الهیات تطبیقی، ش ۳، صص ۱۱۷-۱۳۴.
- رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر فخرالدین، (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر)، بیروت، احیاء التراث العربیه.
- روبینز، آراچ، (۱۳۸۴)، تاریخ مختصر زبان شناسی، ترجمه علی محمد حق شناس، تهران: مرکز.
- راغب اصفهانی، حسن بن محمد، (۱۳۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، دمشق: دارالعلم.
- رشید رضا، محمد، بی تا، المنار، بیروت: دارالفکر.
- زحیلی، وهبه بن مصطفی، (۱۴۱۸ق)، التفسیر المنیر، بیروت: دارالفکر.
- زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۱۷ق)، الکشاف عن حقایق القرآن، قم: مکتبه الاعلام الاسلامی.
- سیاح، احمد، (۱۳۶۵)، فرهنگ بزرگ جامع نوین، تهران: انتشارات اسلامی.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، (۱۴۰۴ق)، الدر المشور فی تفسیر الماثور، قم: انتشارات آیه الله مرعشی.
- شعبری، حمید رضا، (۱۳۸۵)، مبانی معناشناسی نوین، تهران: انتشارات سمت.
- شلنت، محمود، بی تا، الاسلام العقیده و الشریعه، مصر: دارالقلم.

واکاوی مفهوم خلود در جهنم با ... (محمدهادی امین‌ناجی و دیگران) ۷۷

- صفوی، کورش، (۱۳۸۷)، از زبان شناسی به ادبیات، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- ملاصدرا، صدرالدین محمد شیرازی، (۱۳۶۵)، تفسیر القرآن الکریم، تحقیق محمد خواجه‌جوی، قم: بیدار.
- ملاصدرا، صدرالدین محمد شیرازی، (۱۴۲۵ق)، الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، بیروت: احیاء التراث العربیه.
- ملاصدرا، صدرالدین محمد شیرازی، (۱۴۲۰ق)، الاسفار الاربعه، بیروت، دار احیاء التراث العربیه.
- طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۰۳ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طریحی، فخرالدین محمد، (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، تهران: انتشارات مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۵ق)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: احیاء التراث العربیه.
- طوسی، نصیرالدین محمد، (بی تا)، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، قم: منشورات شکوری.
- عکاشه، محمود، (۱۴۳۲ق)، التحلیل اللغوی فی ضوئ علم الدلاله، القا، دار النشر.
- عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰)، تفسیر العیاشی، تهران: المطبعه العلمیه.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، قم: نشر هجرت.
- قائمی نیا، علیرضا، (۱۳۸۹)، بیولوژی نص، چ ۱، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- قرشی، علی اکبر، (بی تا)، قاموس قرآن، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- قیصری رومی، محمد داوود، (۱۳۷۵)، شرح فصوص الحکم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کاشانی، عبدالرزاق، (۱۴۳۲ق)، تاویلات القرآن الکریم (تفسیر ابن عربی)، بیروت: احیاء التراث العربیه.
- کهن راب، آ، (۱۳۵۰)، گنجینه ای از تلمود، ترجمه امیر فریدون گرگانی، تهران: انتشارات زیبا.
- مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار الجامعه لدرر الاخبار الائمه الاطهار، بیروت، احیاء التراث العربیه.
- مختار عمر، احمد، (۱۳۸۶)، معنانشناسی، مترجم سید حسین سیدی، مشهد، دانشگاه فردوسی.
- مشکور، محمد جواد، (۱۳۷۷)، خلاصه ادیان در تاریخ دین داری، چ ۶، تهران: انتشارات شرق.
- مصطفوی، حسن، (۱۴۱۶ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: انتشارات ایران.
- مطیع، حسن، (۱۳۸۷)، مقاله "خلود در عذاب با مروری بر دیدگاه صدرالمتالهین"، پژوهش اندیشه نوین دینی، ش ۱۵، صص ۹۵-۱۲۶.
- معلوف، لوییس، (۱۳۸۰)، المنجد، ترجمه محمد بندر ریگی، تهران: انتشارات ایران.
- ملایی سریش، صغری، (۱۳۹۶)، پایان نامه کارشناسی ارشد، معنانشناسی توصیفی "خلود" در قرآن کریم، استاد راهنما فتحیه فتاحی زاده، دانشگاه الزهراء .

- نجیمی، حسن علی (۱۳۹۲)، مقاله "بررسی عقلی و شواهد قرآنی، روایی بر اثبات مفهوم خلود در جهنم"، پژوهش نامه قرآن و حدیث، ش ۱۷، صص ۵۰-۶۳.
نکونام، محمدرضا (۱۳۸۶)، *خلود در دوزخ*، قم: انتشارات نگین.
- وحیدی، شهاب الدین، (۱۳۹۵)، مقاله "بررسی تطبیقی معاد در قرآن و عهدین"، کتاب قیام، ش ۱۴، صص ۲۰-۵۰.
- نصرتی، شعبان، صادقی، هادی، (۱۳۹۱)، مقاله "الگوی تفکر قرآنی بر اساس معناشناسی همزمانی"، ذهن، ش ۴۸، صص ۵-۳۵.